

ارائه الگویی برای خطمشی گذاری فرهنگی شهر با محوریت مسجد جامع و امام جمعه

احسان کریمی *

محسن باقری **

حسین عرب اسدی ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۳/۰۱

چکیده

دولت‌ها هر یک به نوعی در امر فرهنگ مداخله و خطمشی‌های خاصی را تنظیم می‌کنند. در زمینه شیوه طراحی خطمشی‌ها از بالا به پایین یا بالعکس نظرات مختلفی بیان شده است. در این مقاله سعی شده است با استناد به مطالعات و بررسیها و ضمن استفاده از نظر نخبگان فرهنگی با استفاده از مصاحبه و روش تحلیل مضمون، الگویی ارائه شود تا بر اساس آن خطمشی‌های فرهنگی به شکلی بومی تنظیم و تدوین شود؛ با توجه به گستردگی موضوع در طراحی الگوی خطمشی‌گذاری در این مقاله تنها سطح شهر مورد توجه قرار گرفته است. در این الگو مسجد جامع به عنوان محور تصمیم‌گیری شهر و امام جمعه، که نماینده ولی فقیه در شهر است، منشأ خطمشی‌گذاری در نظر گرفته شده است و بقیه عوامل در ارتباط با این محور در تدقیق و عینی شدن نظام مسائل و رسیدن به خطمشی مطلوب، مؤثر دانسته شده‌اند. در نهایت برای اجرایی شدن این الگو پیشنهادهایی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: خطمشی‌گذاری فرهنگی شهر، امام جمعه، مسجد جامع، نهادهای مردمی.

* پژوهشگر مرکز رشد و کارشناس ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

e.karimi@isu.ac.ir

** پژوهشگر مرکز رشد و دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

h.arabasadi@gmail.com

*** هیأت علمی مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی دانشگاه امام حسین (ع)

mbagherinasr@gmail.com

مقدمه

فرهنگ یکی از مهمترین حوزه‌های حیاتی و اثرگذار در هر جامعه است که مورد توجه نخبگان و دولت‌مردان بوده است. حوزه فرهنگی با دیگر حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بشدت گره خورده است. برخی فرهنگ را هسته اصلی اثرگذار جامعه به‌شمار می‌آورند که در چگونگی شکل‌گیری دیگر حوزه‌ها نیز اثرگذار است. رهبر معظم انقلاب نیز بارها به این مهم اشاره کرده‌اند: «فرهنگ مثل آب و هواست. فرهنگ یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه‌رو است» (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۹). این امر خطیر سبب شده است که نخبگان و مسئولان جامعه نسبت به فرهنگ حساسیت داشته باشند و موضوع اعمال تغییرات لازم برای جهتدهی آن به سوی وضعیت مطلوب همواره یکی از دغدغه‌های ایشان باشد. این امر در قالب مدیریت و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نمود می‌یابد. البته در این زمینه طیف وسیعی از نظریات وجود دارد که در هر جامعه متفاوت از دیگر جوامع نسبت به مداخله یا عدم دخالت در فرهنگ توجه شده است.

هسته اصلی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و نقطه آغازین آن، شهر است. شهر نقطه عزیمت تمدن‌سازی در الگوی ایرانی - اسلامی است. سابقه شهرهای اسلامی در طول تاریخ نشاندهنده این ادعا است. از سوی دیگر، محور حیاتی مداخله در فرهنگ، مسجد است. مسجد جامع محوریت‌ترین مکان در تأثیرگذاری بر شهر است که بر اساس قواعد شهرسازی اسلامی باید در مرکز شهر جانمایی شود.

موضوع فرهنگ ابعاد گوناگون و گسترده‌ای دارد که مؤلفه‌های متعددی در آن تأثیرگذار است. همواره دغدغه جدی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی داشتن نگاهی راهبردی در این راستا و یافتن گلوگاه‌ها و نقاط اهرمی است که تکیه بر آنها همگرایی لازم را در دیگر مؤلفه‌های فرهنگ نیز ایجاد کند. بر همین اساس اگر ما بتوانیم در فرهنگ اسلامی و ایرانی خود عوامل اثرگذار را بخوبی شناسایی، و بر همین اساس آنها را اولویت‌بندی، و چگونگی تعامل آنها را با یکدیگر طراحی کنیم به الگویی برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دست یافته‌ایم.

مسئله‌ای که در کشور ما وجود دارد، مداخله دستگاه‌های مختلف و متعدد دولتی و غیردولتی

در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است که فرایند خط‌مشی‌گذاری را پیچیده می‌کند و اجرای آن را نیز به تأخیر می‌اندازد تا حدی که در بسیاری موارد خط‌مشی‌های اعمالی یکدیگر را خنثی کرده و یا باعث رکود فرهنگی شده است. از سوی دیگر نقش مردم در زمینه خط‌مشی‌گذاری بخوبی دیده نشده و خط‌مشی‌ها به صورت از بالا به پایین ابلاغ شده است. حال سؤال اصلی مقاله این است:

- الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در سطح شهر با توجه به اقتضائات بومی و با محوریت مسجد جامع و امام جمعه چگونه است؟

مبانی نظری

۱ - خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شهر

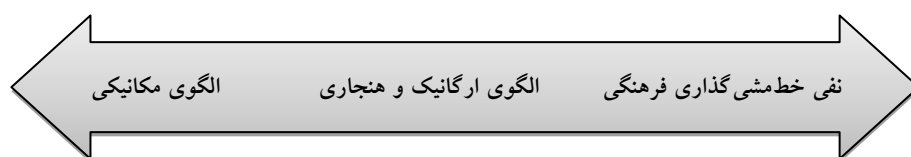
علم خط‌مشی‌گذاری عمومی^۱ به بخشی از جنبش عقلانی کردن زندگی بشری و عقلایی عمل کردن بشر مربوط است که به کمک آن انسان سعی می‌کند به تسلط روزافزونی به زندگی اجتماعی خویش دست یابد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۵). از دیدگاه خط‌مشی‌گذاری، خط‌مشی فرهنگی مقوله‌ای است دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار تأثیر می‌گذارد و در واقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰). «خط‌مشی‌گذاری فرهنگی»^۲ شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی هر نهاد یا نظام اجتماعی استیلا دارد و راهنما و دستورالعملی برای مدیران فرهنگی است (خان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۴). برخی دیگر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را از نوع برنامه‌ریزی راهبردی می‌دانند که از آرمانها و ارزشهای جامعه الهام می‌گیرد و دو نوع برنامه‌ریزی میان‌مدت (برنامه‌ها) و برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت (طرح‌های اجرایی) را هدایت می‌کند (اجلالی، ۱۳۷۹: ۵۹).

بنابراین مراد این پژوهش از «خط‌مشی‌گذاری فرهنگی» همان سیاست یا خط‌مشی است که در عرصه فرهنگی، ما را به وضعیت آرمانی و مطلوب برساند یا بحران و مشکلی فرهنگی را برطرف، و پاسخ مناسبی ارائه کند. صاحب‌نظران در زمینه امکان تغییر در فرهنگ در یک گستره و طیف قرار دارند. برخی می‌گویند امکان تغییر در فرهنگ نیست و باید آن را به حال خودش رها کرد. برخی دیگر کاملاً مکانیکی به فرهنگ نگاه می‌کنند؛ اما صرف‌نظر از دو سوی این طیف،

1 - Public policy making

2 - Cultural policy making

حالت متعادلی وجود دارد. این دسته از صاحب‌نظران می‌گویند می‌توان و باید فرهنگ را مدیریت کرد. البته باید اقتضائات و الزامات آن را متناسب با فرهنگ هر جامعه در نظر گرفت (مشبکی و پورعزت، ۱۳۸۰: ۹۱).



نمودار ۱: نگاه‌های مختلف به خط‌مشی‌گذاری فرهنگی (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱: ۷۰)

خط‌مشی‌گذاری شهری، تدوین و تعیین خط‌مشی‌های از پیش‌اندیشیده و نظام‌یافته‌ای است که سلامت شهر را تأمین کند و رفاه و آسایش شهروندان را میسر سازد. بحث سلامت شهری، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی و فرهنگی را شامل می‌شود (مزینی، ۱۳۷۸: ۲۹۴). شهر قسمتی از هر کشور، و تحت تأثیر خط‌مشی‌های کلان ملی است. البته برخی از خط‌مشی‌ها، صرفاً به آن شهر و منطقه اختصاص دارد. هر شهری دارای هویت، قومیت، وضعیت طبیعی و فرهنگ خاص خود است. این اختلافها سبب می‌شود که سبک خط‌مشی‌های شهری در هر شهر متفاوت از شهری دیگر باشد.

دین در همه عرصه‌های فردی، اجتماعی و جامعه انسانی قواعد و احکامی دارد. دین در برابر فردیت‌ترین احکام مربوط به انسان، که بسیار پیش‌یافته و ناچیز است تا مسائل کلان اجتماعی قواعد و حدودی را مشخص کرده است. از سوی دیگر، اقتضائات بومی و منطقه‌ای و خرده‌فرهنگها تا حدی در ادبیات دینی به رسمیت شناخته شده است؛ لذا صحبت از الگویی بومی برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شهر دارای مبنا است.

۲ - چرخه خط‌مشی‌گذاری

صاحب‌نظران الگوهای چندی را برای درک مسائل خط‌مشی‌گذاری ارائه کرده‌اند که هر یک مسائل خط‌مشی عمومی، علتها و پیامدهای آن را از دیدگاه متفاوتی مورد بررسی و تعمق قرار می‌دهد. در حالی که هیچ یک از این الگوها بهترین، تلقی نمی‌شود، هر یک از آنها ما را قادر می‌سازد که مشکلات عمومی را به بهترین شکل تجزیه و تحلیل کنیم (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹).

تحلیل خط‌مشی از آغاز شکل‌گیری یعنی دهه ۱۹۵۰ با دیدگاهی درهم‌تنیده بود که به فرایند خط‌مشی به عنوان فرایندی متکامل با مراحل پیاپی نگاه می‌کرد. پژوهش خط‌مشی هنوز به دیدگاه مرحله‌ای و چرخه‌ای و یا یکی از مراحل این دیدگاه متکی است (فیشر و میلر، ۲۰۰۶: ۴۳). نظریات مختلفی از سوی صاحب‌نظران در زمینه فرایند و چرخه خط‌مشی‌گذاری^۱ مطرح شده است که با الگوی هفت مرحله‌ای لاسول (۱۹۵۶) آغاز، و با ترکیب الگوی درونداد برون‌داد ایستون (۱۹۶۵) به یک الگوی چرخه‌ای تبدیل شد. این الگو به وسیله افرادی چون جونز (۱۹۷۰)، اندرسون (۱۹۷۵)، می و ویلداوسکی (۱۹۷۸)، جنکینز (۱۹۷۸) و برور و دلثون (۱۹۸۳) توسعه یافت. به طور خلاصه می‌توان فرایند خط‌مشی را به مثابه مجموعه‌ای از فعالیتهای سیاسی به صورت مرحله به مرحله در نظر گرفت که به آن الگوی فرایندی^۲ اطلاق می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲). یکی از معروفترین فرایندهایی که برای خط‌مشی‌گذاری در نظر گرفته می‌شود بر الگویی منطبق است که الوانی نقل می‌کند (الوانی، ۱۳۹۰: ۳۵):

۱ - تشخیص مشکل^۳ یا هدف و آرمانی که رسیدن به آن لازم است.

۲ - تنظیم خط‌مشی مطلوب ضمن اولویت‌بندی راه‌حلهای موجود^۴ و با توجه به ارزشها و واقعیت‌های جامعه

۳ - قانونی ساختن خط‌مشی (مشروعیت)^۵

۴ - اجرای خط‌مشی^۶

۵ - ارزیابی خط‌مشی^۷

این فرایند هرچند معایی دارد تا حد زیادی امکان انطباق در حوزه فرهنگی را نیز داراست؛ لذا از این فرایند برای طراحی و توسعه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی استفاده می‌شود.

۳ - نقد وضعیت موجود خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در کشور

گرچه نمی‌توان رویکرد مطلقاً در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی کشور برشمرد، رویکرد کلان

1 - Policy making cycle

2 - Process model

3 - Identifying the problem

4 - Alternative policies

5 - Legitimizing policy

6 - Policy execution

7 - Policy evaluation

اجرای خط‌مشی‌های عمومی کشور و از جمله خط‌مشی‌های فرهنگی در قوانین جمهوری اسلامی ایران، رویکردی از بالا به پایین بوده که در آن، دولت به برنامه‌ریزی پرداخته است و آن‌گاه با تأکید بر مداخلات خود دولت و بخش خصوصی در اجرای خط‌مشی‌ها به هدایت، نظارت و حمایت مالی، حقوقی و گفتمانی از آن می‌پردازد. این روند به مرور بهبود می‌یابد به گونه‌ای که در برنامه پنجم توسعه برخی اختیارات در عرصه خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی نیز به استانها و مناطق بومی واگذار می‌شود (برنامه پنجم توسعه، ماده ۲۲۴، بند هـ). در برنامه‌های جدیدتر تلاش شده است که اختیارات و امکان تصمیم‌گیری بیشتری به استانها واگذار شود؛ اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله وجود دارد. این روش آسیب‌هایی دارد که در پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است. در مجموع می‌توان این نقدها را به وضعیت خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور وارد کرد:

- نظام برنامه‌ریزی ایران همواره با درجه بسیار قوی از تمرکز تعریف شده و وجهه مهمی از تمرکز در نظام برنامه‌ریزی، کم‌توجهی عملی به نقش بخش خصوصی و عموم مردم در طراحی، نظارت، ارزشیابی و تأمین مالی برنامه‌ها بوده است (غلامی نتاج امیری، ۱۳۸۴).

- برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم کار ملی بین مناطق یا تقسیم کار منطقه‌ای بین نواحی، هرگز مورد توجه قرار نگرفته و این امر بی‌توجهی و غفلت از امکانات، فرصتها، ظرفیتها و محدودیتها، تنگناها و نیازهای منطقه‌ای، محلی در برشهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته است (غلامی نتاج امیری، ۱۳۸۴).

- نبود همسازي و هماهنگی میان بخشها و مناطق و نبود برنامه‌ریزی منطقه‌ای (مختاریان‌پور،

۱۳۹۲: ۴۷ و ۴۸).

اگر بنا باشد دقیقتر به حوزه فرهنگی و خط‌مشی‌گذاران ملی آن اشاره شود، توجه به جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی ضروری است. این شورا در سالهای اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با هدف خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح ملی شکل گرفت. از جمله مهمترین دستاوردهای آن تدوین مبانی و اصول سیاستهای فرهنگی کشور است که البته نقدهای جدی هم بر آن وارد است (حسین‌لی، ۱۳۷۹: ۱۲).

از ضعفهای این سند، تفکر انتزاعی حاکم بر آن، نادیده انگاشتن مردم و نهادهای مردمی در برنامه‌های فرهنگی، نگاه از بالا به پایین در برنامه‌های فرهنگی، نبود الگوهای مشخص برای خط‌مشی‌گذاری در عرصه فرهنگی، تعدد مراجع تصمیم‌گیر و خط‌مشی‌گذار، ضعف ساختاری در

تبدیل کردن خط‌مشی‌های کلان به برنامه‌های جزئی و مواردی از این قبیل است (شریفی، فاضلی، ۱۳۹۱: ۸۰).

۴ - ارکان اثرگذار در الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شهر

ضرورت شناخت ارکان و اهرمهای تحول فرهنگ بسیار ضروری است؛ چرا که تحول در عرصه فرهنگ نیازمند شناخت و تجزیه و تحلیل فرهنگ نسبت به این عوامل است که هرکدام نیازمند دقت‌های خاص خود است. فرهنگ در موقعیت‌ها و در برخورد با عوامل عینی شکل می‌گیرد و تغییر می‌پذیرد. با مشاوره، پند و اندرز، سخنرانی و دیگر شیوه‌های مرسوم نمی‌توان فرهنگ را تغییر داد؛ لذا از آنجا که فرهنگ در چهارچوب‌های عینی و نهادی شکل گرفته است به طور عمده از طریق تغییر در این چارچوبها تغییر صورت می‌پذیرد.

۴ - ۱ - امام جمعه و مسجد جامع شهر

مسجد در الگوی فرهنگی اسلام، قلب و مرکز محله، شهر و حکومت است. مسجد ضمن برقراری ارتباط فیزیکی با دیگر ارکان شهر توانسته است با ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهر ارتباط تنگاتنگی ایجاد کند و در ایجاد و شکل‌دهی فرهنگ و جریان اسلامی بسیار مؤثر باشد (گلی زواره، ۱۳۸۴: ۲۹۳ تا ۲۹۵)؛ به عبارت دیگر مسجد به مثابه نخ تسیحی است که هویت منسجمی را برای شهر ایجاد می‌کند.

نقطه ثقل شهر، مسجد جامع است که محل حضور امام جمعه است. امام جمعه با توجه به اینکه نماینده دینی است، ضمن جایگاهی که دارد می‌تواند تمام ارکان شهر را به صورت منسجم و متصل با یکدیگر همسو و همراستا کند و این کار فقط از عهده او بر می‌آید. نمی‌توان با نهادهای دیگر این وحدانیت و هویت مشترک را برای شهر شکل داد (نوری، ۱۳۸۴: ۴۵۲). امام جمعه همانند امام جماعت مسجد، ولی در سطحی بالاتر، مسائل و مشکلات شهر را شناسایی، و برای حل آن مسائل از توان مردمی و دولتی استفاده می‌کند. قطعاً این فرصت نیست که امام جمعه با یکایک مردم ارتباط چهره به چهره برقرار کند؛ لذا امام جمعه با برقراری ارتباط مستمر و جلسات هفتگی با ائمه جماعات و مسئولان از ریز مسائل شهر و مشکلات مردم آگاه می‌شود.

مهمترین رسانه‌ای که برای اعلام مسائل شهر قابل اتکا است، نماز جمعه است. حضور مردم در نماز جمعه تجلی وحدت و شکوه جامعه اسلامی است؛ جایی که مردم و مسئولان و نخبگان در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و مهمترین مسائل شهر را از زبان امام جمعه می‌شنوند. مسجد جامع

محلی است که با اعلام مسائل و مشکلات شهر در خطبه‌های نماز جمعه، مسئولیت هر فرد و نهاد و سازمان در حل و فصل معضلات مشخص می‌شود.

۴ - ۲ - نهادهای مردمی

امام جمعه در شهر از چند بازوی مهم اجرایی و فکری برخوردار است. مثال نهادهای مردمی کانونها، پایگاه‌های بسیج و سازمانهای مردمی است. این نهادها وظیفه دارند مسائل را از درون جامعه و از بین مردم شناسایی کنند و آنها را به گوش مسئولان از جمله امام جمعه برسانند؛ یعنی به نوعی مرحله دستورگذاری را در خطمشی‌گذاری فرهنگی انجام می‌دهند. از سوی دیگر این نهادها قسمتی از کارهای اجرایی فرهنگی را به عهده دارند. با توجه به اینکه لازم و شایسته است کارهای فرهنگی به وسیله خود مردم انجام شود و به نتیجه برسد، نقش اجرایی و تصدیگری این نهادهای مردمی بسیار پررنگ و دارای اهمیت است. آنها به دولت وابستگی سیاسی ندارند و داوطلبانه و خودجوش در عرصه فرهنگی قدم می‌گذارند. محور تجمع و هم‌افزایی نهادهای مردمی و فرهنگی در مسجد است. در واقع مسجد پل ارتباطی اتصال و همفکری و هم‌افزایی است که در عین وجود نهادهای متکثر باعث ایجاد وحدت و انسجام آنها می‌شود (فرخی، ۱۳۹۳: ۵۲).

۴ - ۳ - نهادهای دولتی (حکومت محلی)

بازوی اجرایی دیگری که امام جمعه می‌تواند از آنها در جایگاه خود استفاده کند، نهادهای دولتی است؛ مثل فرمانداری. فرمانداری نماینده و نماد حاکمیت در سطح شهر است. بیش از ده اداره دیگر زیرمجموعه فرمانداری است که به فعالیت مشغول هستند. امام جمعه در بسیج کردن این ادارات و وادار کردن آنها به پاسخگویی بسیار نقش دارد. با نظارت امام جمعه، که نمایندگی دینی و حوزوی را به عهده دارد، فرار از مسئولیت بین مسئولان نباید باشد. این ادارات و نهادها آسانگر عرصه فرهنگی هستند و زمینه‌های اقدام و اثرگذاری مردمی را در این عرصه فراهم می‌کنند؛ لذا بهتر است خود مستقیماً وارد تصدیگری این حوزه نشوند (باهر و فرخی، ۱۳۹۳: ۱۴).

۴ - ۴ - حوزه و دانشگاه

رکن دیگر در شهر، که نباید از آن غفلت ورزید و نمایندگی نخبگان شهر را به عهده دارد، حوزه و دانشگاه است. حوزه و دانشگاه وظیفه گفت‌وگو سازی و مطالبه از مسئولان را به صورت حرفه‌ای و تخصصی به عهده دارند. فرق مطالبه‌گری حوزه و دانشگاه با نهادهای مردمی این است که آن نهادها به صورت عمومی مطالبات خود را بیان می‌کنند؛ اما حوزه و دانشگاه با توجه به اینکه

نخبه‌پرور هستند، مطالبات تخصصی و موضوعی را ایراد می‌کنند؛ ضمن اینکه آینده شهر را نیز بخوبی رصد می‌کنند و نیازهای آینده را در نظر می‌گیرند. از سوی دیگر، نهاد حوزه و دانشگاه با توجه به اینکه وظیفه انسان‌سازی و تربیت فرهیختگان را به عهده دارند بخوبی می‌توانند نیازهای فرهنگی شهر را اشباع کنند و از این جهت پاسخگو باشند، به عبارت دیگر آنها می‌توانند از طریق حضور در مسجد بویژه مسجد جامع در زمانی که مردم در آنجا مجتمع هستند با مردم مرتبط شوند و به تشکیل حلقه‌های علم‌آموزی و نشر معارف بپردازند و فرهنگ اسلامی را نشر دهند. این علم‌آموزی و نشر فرهنگ اسلامی در حوزه خاصی محدود نیست و متناسب با نیازهای مختلف جامعه می‌توان به آن پرداخت؛ حتی پیامبر اسلامی در مسجد به آموزش نظامی می‌پرداخت. در واقع مسجد محل اجتماع مسلمانان در موقعیت نبرد بود (حموده، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

۴ - ۵ - نهادهای اقتصادی و بازار

بازار، نماد اقتصاد و تولید و خدمات شهری است؛ جایی است که چرخ اقتصاد و اشتغال در آن به حرکت در می‌آید. مسجد در میان بازار قرار دارد و از قضا این دو با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع بین فضای مقدس و مکان زندگی، که برترین مصداقش بازار است، فاصله‌ای وجود ندارد. این ویژگی هنوز در برخی شهرهای اسلامی وجود دارد و باعث شده است نوعی ارتباط خاص بین بازار با مسجد جامع و امام جمعه برقرار شود (حلیمی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). به این دلیل، که شیوه و سبک کسب و کار و درآمدزایی باید حلال و طبق موازین اسلامی باشد، ارشاد و هدایت‌های معنوی و فرهنگی امام جمعه مؤثر و مهم است؛ همان‌گونه که در گذشته‌ای نه چندان دور، بازاریان و تجار به صورت روزانه اندکی از وقت خود را صرف فراگیری موازین شرعی می‌کردند و این چنین بوده که کتاب مکاسب شکل گرفته است. از سوی دیگر دریافت وجوهات شرعی خمس و زکات بر عهده امام جمعه شهر است. بنابراین امام جمعه باید بتواند در این عرصه نیز نقش خود را بخوبی ایفا کند.

۴ - ۶ - اقلیم

رکن نهایی مهم قابل توجه در شهر، اقلیم خاص آن است. اقلیم، تداخل و برخورد جغرافیا و فرهنگ خاص مردم است. هر نوع آب و هوای جغرافیایی در شکل‌گیری فرهنگ خاص آن شهر مؤثر است؛ لذا هر شهری، روح و شخصیت و هویت فرهنگی خاص خود را دارد. فرهنگ برای شهر به مثابه روح برای انسان است. توجه کردن به اقلیم و اقتضات بومی شهر برای کارهای

فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. کشور ما با توجه به گستردگی پهناورش اقتضانات فرهنگی مختلفی دارد. لازم است به اقلیمها و خرده فرهنگها به طور مناسب توجه، و از ظرفیت آنها استفاده شود (حسین زاده دلیر و هوشیار، ۱۳۸۵: ۳۴).

پیشینه پژوهش

پژوهشی در زمینه سیاستگذاری فرهنگی شهری با محوریت مسجد یا امام جمعه به طور مستقیم صورت نگرفته است. به طور کلی این موضوع کمتر نظر پژوهشگران را به خود جلب کرده و نیازمند پژوهشهای فراوانی است تا گستره و غنای علمی این حوزه فزونی یابد؛ اما به طور غیرمستقیم در برخی مقالات به این موضوع اشاره‌هایی شده است که به مرور آنها پرداخته می‌شود. عبدالملکی در مقاله «واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش تحلیل سند به واکاوی نوع نگاه به مسجد در چارچوب سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. علاوه بر آن با بررسی اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری، نوع نگاه به مسجد را تبیین می‌کند (عبدالملکی، ساسانی و نادری، ۱۳۹۳: ۷).

باهنر و فرخی در مقاله سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران، این موضوع را از دیدگاه خبرگان و سیاستگذاران این حوزه مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان در این مقاله تلاش کرده‌اند تا مختصات و نقش حکومت را درباره مسجد بررسی کنند. در نتیجه پیشنهاد شده است که سیاستگذاری مساجد ذیل یک سازمان یا شورای سیاستگذاری به نام مسجد ذیل اختیارات ولی فقیه و رهبری صورت گیرد و وظایف متعدد دستگاه‌های فرهنگی مرتبط با مساجد مشخص شود (باهنر و فرخی، ۱۳۹۳: ۱).

علاوه بر این موارد، فرخی در مقاله «سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران» تلاش کرده است با شیوه طبقه‌بندی، دیدگاه‌های رهبر انقلاب را در حیطه مسجد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ در نتیجه در راستای دستیابی به مساجد مطلوب لازم است محورهای «حفظ و رونق مساجد»، «حضور و مشارکت فعال در مسجد» و «اداره کار مسلمانان ذیل مسجد» تحقق یابد (فرخی، ۱۳۹۳: ۳۳).

همایون و جعفری نیز در مقاله «درامدی بر مفهوم و روش سیاستگذاری فرهنگی» به بررسی

سیاست‌گذاری فرهنگی، کلیات و مفاهیم بنیادین آن پرداخته و زمینه‌های نظری شکل‌گیری مفهوم سیاست فرهنگی، راهبردهای اصلی، سطوح، امکانات و محدودیتهای سیاست‌گذاری فرهنگی را طرح کرده‌اند. علاوه بر آن به بررسی تجربیات جهانی در حوزه سیاست فرهنگی می‌پردازند (همایون و جعفری، ۱۳۸۷: ۵).

این مقالات هر کدام از بعدی خاص به سیاست‌گذاری فرهنگی پرداخته و نقش مسجد را در سیاست‌گذاری فرهنگی شهر کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. نوآوری این مقاله در این است که مسئله سیاست‌گذاری فرهنگی شهر را با محوریت مسجد جامع و امام جمعه مورد توجه قرار داده است.

روش پژوهش

پژوهش، کیفی با روش تحلیل مضمون^۱ است. مراحل پژوهش کیفی، مسیر از قبل برنامه‌ریزی شده‌ای برای توصیف واقعیت نیست، بلکه توصیف واقعیت بعد از وقوع آن است. پژوهشگران کیفی مفاهیم جدید را شکل می‌دهند و یا داده‌ها را تدقیق می‌کنند. آنها داده‌ها را درون طبقه‌ها (براساس مضمونها و مفاهیم یا ویژگیهای مشابه) سازماندهی می‌کنند و ارتباط آنها را شکل می‌دهند (نیومن، ۱۳۸۹: ۹۷ تا ۹۹). یکی از این روشها، تحلیل مضمون است. روش تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است. بنابراین این روش، صرفاً روشی کیفی همانند دیگر روشها نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر پژوهشهای کیفی به کار رود (بویاتزیس، ۱۹۹۸: ۴). به طور کلی تحلیل هر متن شامل چند فعالیت است:

- کشف مقولات (مضمونها) و زیر مقولات
 - غربال کردن مجموعه مقولات به تعداد کمتر که قابل مدیریت باشد.
 - ساخت سلسله مراتبی از شناسه‌ها و مقولات
 - اتصال برقرار کردن بین شناسه‌ها از طریق طراحی الگویی نظری (راین و برنارد، ۲۰۰۳: ۸۵).
- هم در نوع مضمونهای متون و هم در روشهای کشف و شناسایی آنها تنوع و گوناگونی زیادی وجود دارد. هر یک از اندیشمندان مبنای خاصی برای طبقه‌بندی مضمونها و اشاره به گونه‌های آنها دارند. روش انتخابی برای کشف مضمونها در فرایند این پژوهش، شناخت مضمونهای فراگیر،

سازمان‌دهنده و پایه بوده است.

برای فهم وضعیت موجود خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و بررسی الگوی مطلوب آن به مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با حدود ۴۰ نفر از نخبگان، صاحب‌نظران و مدیران ارشد فرهنگی پرداخته شده است. قسمتی از این مصاحبه‌ها به طرح سیاست‌گذاری فرهنگی مربوط است که با کمک نویسندگان به ثمر رسیده است (عرب اسدی و خالقی‌پور، ۱۳۹۳). مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت و در مصاحبه‌های آخر، داده و اطلاعات جدیدی اضافه نشد. با مطالعه گزارش‌های علمی و تحلیل مضمون‌های مصاحبه‌ها، تلاش شد تا مبانی موضوع خط‌مشی‌گذاری شهری واکاوی، و متناسب با وضعیت بومی کشور، الگوی اولیه مبتنی بر مسجد جامع طراحی شود. در ادامه با بررسی این الگو در قالب جلسات گروه تمرکز، الگوی نهایی تدوین شد. برای رفع اشکالات احتمالی الگوی تکمیل‌شده از نظر خبرگان و برخی استادان دانشگاهی استفاده و اصلاحات لازم اعمال شده است. هم‌چنین قسمتی از جدول‌های شناسه‌گذاری و قسمتی از فرایند تحلیل مضمون به صورت مختصر آورده شده است.

همان‌طور که بیان شد در این پژوهش برای رسیدن به الگوی خط‌مشی‌گذاری مطلوب با ۴۰ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه انجام شده است. اطلاعات جمعیت‌شناختی و نام مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ اشاره شده است.

جدول ۱: فهرست مصاحبه‌شوندگان

نام مصاحبه‌شونده	مستولیت یا حوزه کاری
آیت‌الله سید یوسف طباطبایی	نماینده ولی فقیه، رئیس شورای فرهنگ عمومی استان اصفهان
حجت الاسلام احمد سالک	نماینده فعلی مردم اصفهان
حجت الاسلام حبیب رضا ارزانی	رئیس دفتر تبلیغات اسلامی استان اصفهان
دکتر حسن نجفی سولاری	دارای سوابق اجرایی متعدد در حوزه فرهنگی
دکتر کیومرث اشترینان	هیئت علمی دانشگاه تهران، حوزه سیاستگذاری فرهنگی
سید مهدی سیدین نیا	مدیر کل حوزه هنری استان اصفهان
دکتر حسین عرب اسدی	مدیرکل سابق ارشاد تهران
حجت الاسلام مهدی نیلی‌پور	مدیر مؤسسه مهدی موعود از نهادهای خصوصی فعال در زمینه‌های فرهنگی - تربیتی با محوریت مباحث مهدوی
دکتر سید مجید امامی	عضو شورای مهندسی فرهنگی
دکتر علی قاسم‌زاده	دبیر کانون اندیشه و تمدن اسلامی
مهندس علی ماهرالنقش	جانشین مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی
مهندس رسول حامدیان	مدیرکل سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان
منوچهر براتی	دارای سابقه طولانی در مسائل فرهنگی و سیاسی
مجید نادراصلی	عضویت در بخش فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری
علیرضا گلباز خانیان	کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی
حجت الاسلام سعید بهمنی	مدیر گروه علوم قرآنی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
حجت الاسلام کمیل کاوه	مستولیت گروه انصار حزب الله اصفهان معروف به «گروه کاوه»
محمد حسن جعفری	پژوهشگر مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره) در قم
آقای عبدالله خردمند	از مؤسسان و اعضای امنای بنیاد امام محمد باقر (علیه السلام) در اصفهان
رضا نادراصلی	از مؤسسان و مدیران مرکز فرهنگی - تربیتی شهید بهشتی شهر اصفهان
علی دوستانی	صاحب‌نظر در حوزه فرهنگی
سردار جواد استکی	فرمانده سابق سپاه سیدالشهدای استان اصفهان
دکتر نادر جعفری	عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
دکتر مهدی طغیانی	صاحب‌نظر در حوزه فرهنگی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان
دکتر مهدی احمدی فر	عضو گروه برنامه‌ریزی صداوسیما استان اصفهان
حجت الاسلام محسن اسماعیلی	فعال فرهنگی و عضو مؤسس و مدیر مجموعه فرهنگی باران
حمید خیرآبادی	صاحب‌نظر فرهنگی، دانش‌آموخته مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
مهندس احسان قارایی	کارشناس فعلی دفتر امور مساجد شهرداری اصفهان
آقای محمدرضا قمی‌نژاد	کارشناس فرهنگی اداره فرهنگی معاونت سیاسی استانداری اصفهان و کارشناس فرهنگی قرارگاه جنگ نرم
آقای ابراهیم پرچمی	کارشناس فرهنگی قرارگاه جنگ نرم استانداری اصفهان.
مصطفی خالقی پور	فعال فرهنگی و مشاور حقوقی آموزش و پرورش استان اصفهان
آقای محمد طاووسی	کارشناس فرهنگی دبیرخانه کانون‌های مساجد استان اصفهان
آقای حسین نادراصلی	دانش‌آموخته مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

با حدود ۲۰ مصاحبه، اشباع نظری در زمینه مضمونها به دست آمد. برای تأیید مضمونها، مصاحبه‌های بعدی نیز انجام شد. با توجه به محدودیت و جلوگیری از طولانی شدن تنها جدول مربوط به شناسه‌های باز یکی از این مصاحبه‌ها در جدول ۲ تشریح می‌شود.

جدول ۲: شناسه‌های مربوط به یکی از مصاحبه‌ها (PA: مصاحبه با دکتر سید مجید امامی)

شناسه‌های باز	جملات منتخب
PA1: نقش مهم گروه‌های غیر دولتی و مردمی در خطمشی‌گذاری PA2: در نظر گرفتن چرخه کامل خطمشی‌گذاری برای اجرای خطمشی‌های فرهنگی	اگر منظور از سیاست فرهنگی، خطمشی تدبیر شده در چرخه خطمشی‌گذاری است، من هم این تعریف را قبول دارم؛ اما زمانی که سیاست فرهنگی حاصل چرخه سیاست‌گذاری باشد در بحث ما و ادبیات رشته ما سیاست فرهنگی گاهی اوقات با حاکمیت و دولت ربط مستقیمی ندارد؛ ولی سیاست‌گذاری فرهنگی یعنی اساساً عمل حاکمیت و دولتها و به معنای دوم سیاست فرهنگی ممکن است حاصل رویکرد گروه فشار در جامعه باشد؛ مثلاً در کشور ما روحانیت دولت نیست، اما در سیاست فرهنگی سینما دخالت می‌کند.
PA3: لزوم انعطاف و چابکی خطمشی‌ها در اجرا PA4: بازخوردها و اصلاحات هنگام عمل و سریع PA5: استفاده از مشارکتهای مردمی و نهادهای غیردولتی در اجرای خطمشی‌ها PA6: استفاده از شاخصهای بومی برای نظارت بر روند اجرا PA7: جلب مشارکت بخش دولتی و مردمی در خطمشی‌گذاری و اجرا	در مقام و مرحله اجرا باید سیاستها و اجراء همزمان و چابک باشد. در واقع اجرا با سیاست باید با هم تعامل داشته باشند و در عین اجراء، سیاستها را اصلاح کنیم و اجراهای استانی باید گسترده باشد و از ساختارهای مشارکتی استفاده کنند و مشارکت مردم و نهادهای غیر دولتی فرهنگی را جلب کنیم. در مقام نظارت باید هم پیشینی و هم پسینی باشیم؛ یعنی از قبل کارها را رصد کنیم. حجم نظارتها در پسینی متوسط است و نظارت کلان و گسترده باید در سطح کشوری انجام شود؛ در ضمن در این مقام مواعی داریم از جمله نظارت کردن با شاخصهای غیر بومی.
PA8: لزوم ایجاد زمینه مناسب برای هماهنگی بین تصمیم‌گیران فرهنگی از جمله بین امام جمعه و دست‌اندرکاران دولتی PA9: اهمیت قرار گرفتن در فضای گفتمانی همدلانه برای تقویت تعاملات	هنوز متأسفانه به‌رغم تلاشها، که شورای فرهنگ عمومی تشکیل، و گفته شد که امام جمعه رئیس آن، و استاندار قائم مقام آن باشد که مثلاً به نظر خودمان این مشکل را با این الگو حل کردیم، عملاً که نگاه می‌کنیم در بیشتر وضعیت‌ها شاهد این هستیم که با چندگانگی بردارهای قدرت مواجهیم. امام جمعه که زور دارد از این طرف می‌کشد و استاندار که امکانات دولتی و برنامه‌ریزی را به دست دارد از آن طرف می‌کشد. این حاکمیت دوگانه به نظر می‌رسد در استان وجود دارد.
PA10: لزوم وارد کردن ائمه جمعه به عنوان نماینده ولی فقیه و حوزه علمیه در شأن تدوین خطمشی فرهنگی PA11: گفتمان‌سازی فرهنگی از طریق ائمه جمعه در تربیون نماز جمعه در مساجد جامع شهر PA12: شأن اجرایی به عهده حکومت‌های محلی از جمله شهرداریها	ائمه جمعه را در حالت مطلوب در مقام تدوین سیاستها وارد کنیم به این معنی که نماینده ولی فقیه در استان باید در شأن ولایت، سرپرستی امت و استان قرار گیرد. نماینده ولی فقیه یعنی نماینده شأن ولایت و نه تصدی‌گری؛ یعنی سیاستهایی که تولید می‌شود، آنهایی را که در مرکز تولید می‌شود، نماینده ولی فقیه را باید نقش دهد و آنهایی را که در استان می‌خواهد تولید شود البته به شرطی که تابع سیاستهای متمرکز ملی باشد و مانع آنها نباشد، باید امام جمعه را در شأن تدوین سیاست وارد کنیم و نه اجرای سیاست و امام جمعه در اجرا دخالت نکند و اجرای سیاستها را به دست استانداری بگذاریم و استانداری همه ساختارها را از جمله شهرداری را به کار بگیرد. گفتمان‌سازی سیاسی که یکی از عوامل اجرای سیاست فرهنگی است نیز به عهده امام جمعه است؛ چون تربیون نماز جمعه به دست اوست. به عنوان اصلیت‌ترین نهاد گفتمان‌سازی سیاستهای فرهنگی و نهادینه‌سازی سیاستهای فرهنگی قبل و هنگام اجرا در حالت مطلوب.

ادامه جدول ۲: شناسه‌های مربوط به یکی از مصاحبه‌ها (PA: مصاحبه با دکتر سید مجید امامی)

شناسه‌های باز	جملات منتخب
PA13: تقویت نهادهای مردمی به منظور گسترش خطمشی‌های فرهنگی	یکی دیگر از موانع اجرای سیاست این است که ما نهادگرا نبودیم و از نهادهای موجود و مطلوب استفاده نکردیم این وظیفه شورای فرهنگ عمومی است یا شورای راهبری نقشه مهندسی فرهنگی. رویکرد نهادهایی را در اجرای سیاستهای فرهنگی در استان باید جدی بگیریم. ما باید از طریق نهادهایی که به صورت بومی در استان وجود دارد، سیاستها را اجرا کنیم.
PA14: به کارگیری نهادهای بومی در کشور	

شناسه‌های باز مستخرج از مصاحبه‌ها پس از جمع‌بندی به صورت مضمون پایه، مضمون سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر گردآوری، و در نهایت، مضمونهای سازمان‌دهنده در نه عنوان جمع‌بندی شد.

یافته‌های پژوهش

مضمونهای زیر در مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است که در طراحی الگوی نهایی از آنها استفاده شد. نتایج نهایی در قالب جدول ۳ و نمودار ۲ ارائه شده است.

جدول ۳: جدول مضمونهای خطمشی گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه

ردیف	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	واگذاری برنامه‌های فرهنگی به خود مردم	«تصدیگری عرصه فرهنگ توسط خود مردم»	خطمشی گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه
۲	کار مردمی با حمایت دولت و بدون دخالت آن		
۳	حضور گستره مختلف افراد در تصدی کار فرهنگی		
۴	عمل به نص اسلام	«به کارگیری اصول عملی اسلام در خطمشی گذاری»	
۵	عزم قاطع برای عمل به دستور		
۶	شفاف بودن احکام اسلامی		
۷	اهتمام به روح اسلام در زمینه فرهنگی		
۸	لزوم داشتن مبانی فکری		
۹	تعریف ارزشها و باورهای جامعه بر اساس دین		
۱۰	نقش دادن به استانها در خطمشی گذاری	«خطمشی گذاری منعطف و از پایین به بالا»	
۱۱	استفاده از نهادهای بومی برای خطمشی گذاری		
۱۲	طراحی نظامهای خطمشی گذاری فعال		
۱۳	استفاده از فکر مردم در اداره کار	«مشارکت و نظارت مردمی بر روند اجرای خطمشی»	
۱۴	تشکیل جبهه عظیم فرهنگی		
۱۵	ضعف نظارت همگانی بر برنامه‌های فرهنگی		

ادامه جدول ۳: جدول مضمونهای خط‌مشی‌گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه

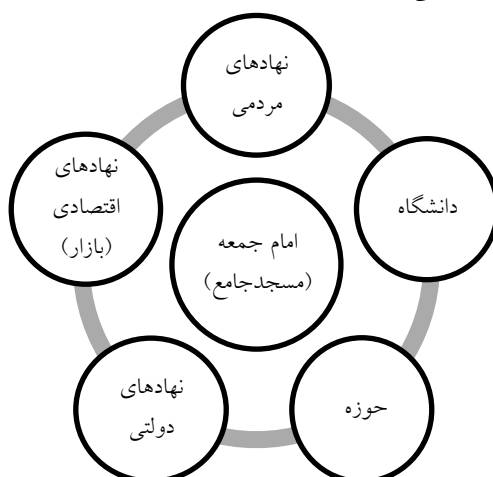
ردیف	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱۶	تعامل برای حل مسائل	«گفت‌وگو میان نهادها و مردمی و دولتی»	خط‌مشی‌گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه
۱۷	نیاز به هماهنگی نهادهای دولتی		
۱۸	هماهنگی کارها در قالب قرارگاه فرهنگی		
۱۹	استفاده از نظرسنجی‌های مختلف جامعه		
۲۰	حمایتهای غیر مستقیم از گروه‌های فعال مردمی		
۲۱	ایجاد شورای فرهنگی با حضور مسئولان دولتی و مردمی		
۲۲	محوریت مساجد در زمینه فرهنگ	«محوریت نماینده ولی فقیه و مسجد در زمینه خط‌مشی‌گذاری»	خط‌مشی‌گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه
۲۳	محوریت مسجد در زمینه محلات		
۲۴	وظیفه بیان احکام و مسائل کشور		
۲۵	شان امام جمعه در تدوین سیاست فرهنگی		
۲۶	استفاده از تریبون نماز جمعه برای سیاست‌گذاری فرهنگی		
۲۷	نقش جهتهی کلان توسط نماینده ولی فقیه		
۲۸	محوریت مساجد برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی		
۲۹	محوریت ولی فقیه با پشتوانه نظام و رهبری در زمینه خط‌مشی‌گذاری		
۳۰	ضرورت استفاده از ظرفیت نخبگان	«استفاده از ظرفیت حوزه و دانشگاه»	خط‌مشی‌گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه
۳۱	اهمیت استفاده از طلاب حوزه برای فرهنگ		
۳۲	توجه به فعالیتهای پژوهشی برای فرهنگ		
۳۳	اعزام مبلغان حوزوی به مناطق مختلف		
۳۴	ظرفیت صندوقهای قرض‌الحسنه و خیریه‌های بومی و محلی	«به‌کارگیری ظرفیت مالی مردمی و نهادهای اقتصادی محلی»	خط‌مشی‌گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه
۳۵	مشکل وابستگی به بودجه دولتی		
۳۶	به‌کارگیری ظرفیت مالی مردم در مراسم مذهبی		
۳۷	کتابهای درسی متناسب اقتضات بومی و فرهنگی	«توجه به اقتضای بومی و اقلیمی»	خط‌مشی‌گذاری مردم‌نهاد با محوریت مسجد جامع و امام جمعه
۳۸	توجه به اقتضات بومی استانها		
۳۹	توجه به اقتضا و موقعیت مخاطبان در برنامه‌ریزی فرهنگی		
۴۰	توجه به توان بالقوه بومی		
۴۱	توجه به اقتضات بومی و پیشینه تاریخی		

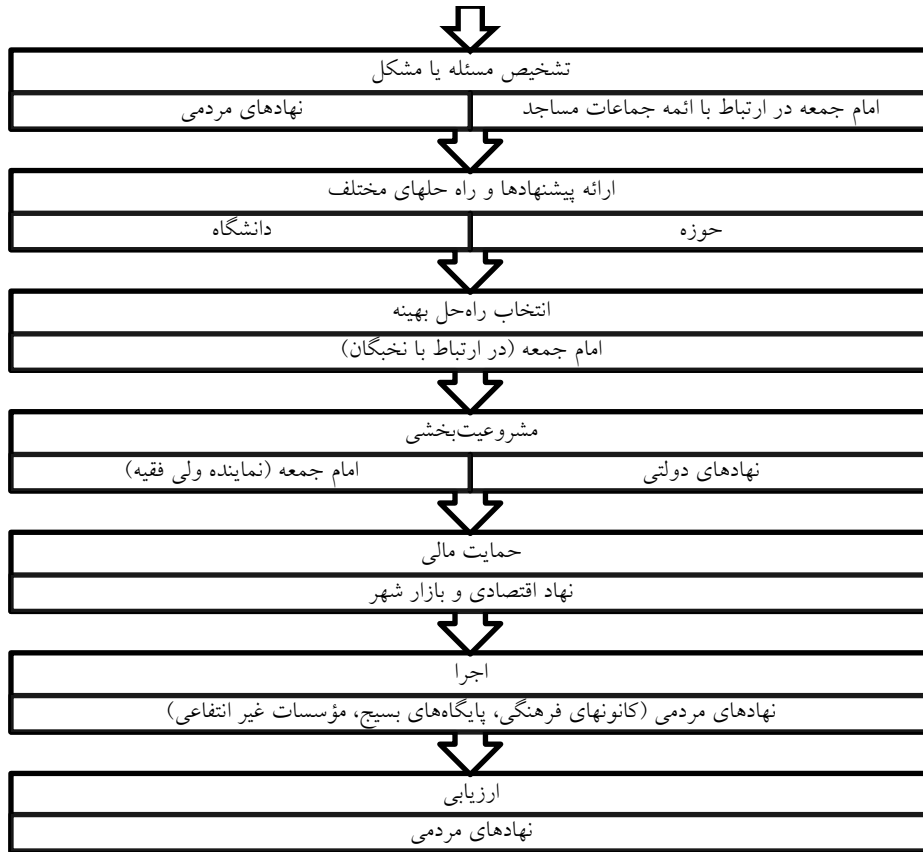
الگوی پیشنهادی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و بیان اقتضائات آن

در نمودار ۳ ارکان و عوامل تأثیرگذار در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مشخص شده است به‌گونه‌ای که ارکان تأثیرگذار نهادهای مردمی، نهادهای دولتی (حکومت محلی)، حوزه و دانشگاه، نهادهای اقتصادی (بازار) حول محور مسجد جامع و در محوریت آن امام جمعه نقش آفرینی می‌کند.

همان‌طور که در نمودار مشخص است، «چرخه خط‌مشی‌گذاری» در این الگو بومی‌سازی شده است و هر یک از ارکان، قسمتی از این چرخه را عهده‌دار خواهند شد؛ ضمن اینکه انتقاداتی که به متمرکز بودن خط‌مشی‌گذاری وجود داشت در این الگو مورد توجه قرار گرفته است و لذا توجه به رکن اقلیم در این الگو به جد مورد نظر قرار گرفته است.

این الگو نیازمند فراهم نمودن اقتضائات خاصی است. وضعیت موجود بازیگران این عرصه برای رسیدن به آن مطلوب نیازمند بلوغ خاصی است تا هر کدام بتوانند به شایستگی نقش خود را ایفا کنند. البته تلاش همه ذی‌نفعان باید در جهت محقق کردن این الگو و رسیدن به جایگاه مطلوب مسجد در جامعه اسلامی باشد.





نمودار ۳: ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شهر^۱

به صورت اجمالی به برخی پیشنهادها و نکات مهم اشاره می‌شود:

۱- روح حاکم بر الگو این است که دولت از تمرکزگرایی فاصله بگیرد و به دنبال آن باشد که خط‌مشی‌ها و تصمیمات را در عرصه فرهنگی به صاحبان اصلی فرهنگ واگذار کند که نخبگان و مردم هستند. خط‌مشی‌گذاری مسجدمحور بر این است که تصمیم‌گیری را از حاکمیت به درون محلات و شهرها منتقل کند و در عین پویایی و بازخور سریع، واقعیت‌های هر منطقه را در نظر بگیرد؛ پس فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از پایین به بالا مطلوب است.

۱ - بدیهی است که در هر مرحله از خط‌مشی‌گذاری، نقش‌آفرینان زیادی هستند که در این الگو تنها نقش‌آفرین اصلی مشخص شده است.

- ۲ - تمرکززدایی در خط‌مشی‌گذاری نیازمند ارائه اختیارات به بازیگران و عوامل ذکر شده در الگو و پشتیبانی از آنها و در رأس آن توجه جدی به مساجد است. بدیهی است که در ابتدای راه با عرضه اختیارات و قدم گذاشتن در این عرصه مشکلاتی ایجاد خواهد شد که با ارائه بازخوردهای سریع و اصلاح تدریجی می‌توان آن را بهبود داد.
- ۳ - قرار گرفتن مسجد جامع با محوریت امام جمعه به عنوان مرکز تصمیم‌گیری فرهنگی در کنار دیگر بازیگران مثل حوزه و دانشگاه، نیازمند این است که این مراکز در جهت تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی توانمند شده، و به رشد کافی از جهات تخصصی کارکردی رسیده باشند. این مهم به مرور و با آموزش و فرهنگ‌سازی محقق می‌شود.
- ۴ - امام جمعه شهر به عنوان دبیر تصمیم‌گیری در عرصه فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که هم دارای محوریت دینی و مرتبط با نهاد حوزه است و هم از سوی حاکمیت منصوب شده و دارای مشروعیت قانونی است، می‌تواند به جمع‌بندی نظریات بپردازد. او با تشکیل شورایی در مسجد جامع، که متشکل از نخبگان حوزوی و دانشگاهی، نماینده بازاریان، فرماندار (نماینده حکومت محلی) و نمایندگان از نهادهای مردمی است، پس از شکل‌گیری تضارب آرای متخصصان، تصمیم نهایی را می‌گیرد.
- ۵ - با توجه به اینکه امام جمعه در این الگو صرفاً نماینده نمادین از سوی حکومت نیست و وظیفه دارد نقش سیاسی و مدیریتی را بخوبی ایفا کند، شایسته است توان رهبری کلانشهر را داشته باشد و به تقویت شایستگی‌های خود بپردازد.
- ۶ - خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در هر شهر با توجه به اقتضائات خاص آن توسط صاحب‌نظران فرهنگی در همان شهر صورت می‌گیرد. استقرار این صاحب‌نظران در شهر سبب می‌شود نظام مسائل و راه‌حلهای را بخوبی شناسایی و اولویت‌بندی کند. از سوی دیگر از کلی‌گویی پرهیز شود.
- ۷ - نهادهای مردمی مثل پایگاه‌های بسیج، کانونهای فرهنگی مساجد، هیئات، فرهنگسراها و مواردی از این قبیل، مراکزی هستند که به وسیله مردم اداره می‌شوند؛ از طرفی با مردم در ارتباط هستند و از سوی دیگر با حکومت مرتبط هستند. بنابراین می‌توانند بخوبی مسائل را شناسایی کنند و آن را در اختیار نهادهای تصمیم‌گیر قرار دهند.
- ۸ - اهالی بازار هم در تصمیم‌گیری نقش ایفا می‌کنند و هم در حمایت مالی و پشتیبانی از تصمیمات مؤثر هستند. از آنجا که مردم با بازار بسیار سروکار دارند و عده زیادی از طریق بازار

کسب درآمد می‌کنند، نقش آن در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی غیر قابل چشم‌پوشی است.

۹ - حکومت محلی، که مرکز آن فرمانداری شهر است با توجه به اینکه نهادی است که بیشترین قدرت را از جانب حاکمیت دارا است، امکان قانونی ساختن و مشروعیت‌بخشی به خط‌مشی‌ها را دارا است. این نقش به وسیله اداره ارشاد و شورای شهر نیز تقویت می‌شود.

۱۰ - دانشگاه و حوزه دو نهاد نخبه‌پرور در شهر هستند که به تربیت دینی و دانشگاهی می‌پردازند. آنها با توجه به تخصصی که دارند، امکان این را دارند که با توجه به مسائل و مشکلات به ارائه راه‌حلهای ممکن بپردازند؛ لذا لازم است بخوبی با مشکلات آشنا باشند و به طور عینی و ملموس با مسائل برخورد، و راه‌حل منطقی ارائه کنند.

شاید طراحی چنین الگویی با وجود اقتضائات شمرده‌شده، سخت و غیرممکن به نظر برسد؛ اما باید گفت که در وضعیت موجود کشور که طراحی خط‌مشی‌ها از بالا به پایین انجام می‌شود، گروه‌ها و مجموعه‌های متعددی را می‌توان یافت که توانسته‌اند با توجه به موقعیت خاص خود در شهرها و محلات مختلف به الگویی فرهنگی به صورت همه‌جانبه بدل شوند و اثرگذاری فرهنگی داشته باشند تا حدی که برخی خط‌مشی‌های رسمی فرهنگی را تحت‌الشعاع فعالیتها و نفوذ خود قرار داده‌اند. در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود:

- مسجد جامع صفا در تهران: مؤسسه اسلامی جامع صفا وابسته به مسجد صفا در محله نظام‌آباد تهران یکی از مجموعه‌هایی است که قریب به سی سال فعالیت در عرصه فرهنگی با محوریت مسجد داشته است. محوریت این مجموعه، روحانیتی قابل اتکا و در محل مسجد صفا است. هدف این مجموعه تربیت مستمر جوانان و نوجوانان و مؤدب کردن آنها به آداب اسلامی است. اکنون فعالیت این مجموعه به مسجد محدود نیست و توانسته است نگاه فرهنگی خود را در مدارس غیر انتفاعی، مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه برای خواهران و برادران گسترش دهد. این مهم با ایجاد حلقه‌ای از نخبگان حوزوی و دانشگاهی و با عنایت و حمایت‌های معنوی و مادی مردمی و در سایه خط‌مشی‌های کلی کشور محقق شده است (masjedsafa.com).

- مسجد جامع صنعتگران: این مسجد یکی از مساجد اثرگذار مشهد است که با محوریت امام جماعتی خدوم و بصیر توانسته است موفقیت‌های زیادی کسب کند. از جمله فعالیت‌های کادر فرهنگی این مسجد تشکیل حلقه‌های معرفتی، ترغیب جوانان و نوجوانان به کتابخوانی، اثرگذاری در مدارس منطقه، تربیت کادر فرهنگی و مهمتر از همه تبدیل کردن مسجد به مأمن و پناهگاهی

برای جوانان بوده است. در این مسجد نیز به همت امام جماعت و با تشکیل کادر فرهنگی توانسته‌اند از بند خط‌مشی‌ها و چارچوب‌های نهادینه‌شده بسیار فراتر روند و مسجد را به جایگاه واقعی خودش نزدیکتر کنند (masjedsanatgaran.blogfa.com).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله ابتدا به ادبیات نظری در زمینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و شهری، جایگاه مسجد در شهر و پیشینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در شهر پرداخته شد. با توجه به ضعف عمده‌ای که در عرصه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در کشور ما وجود دارد یعنی تمرکزگرایی برای تصمیم‌گیری، نویسندگان بر آن شدند که الگویی منطقه‌ای با محوریت مسجد برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی طراحی کنند. به‌رغم اینکه اجرای چنین الگویی نیازمند عزم جدی و جهادی است با دیدن مجموعه‌های فرهنگی مسجدمحور، که تعداد آنها در کشور کم نیست، می‌توان به امکان تحقق چنین رویکردی باور پیدا کرد. تقریباً در تمام این مجموعه‌ها چنین حلقه خط‌مشی‌گذاری با ترکیب افراد حوزوی و دانشگاهی و حامیان مالی مردمی با محوریت امام جمعه و دیگر ائمه جماعات شکل گرفته است. این مجموعه‌ها خود را در سازوکارهای از بالا به پایین اداری محدود نکرده و با استفاده از ظرفیتهای مردمی رشد یافته‌اند.

در مجموع به عنوان پیشنهاد نهایی تشکیل چنین مجموعه‌های مردم نهادی با محوریت مسجد و با عنایت و همراهی ائمه جماعات و روحانیون پرتلاش بسیار مورد نیاز کشور برای عرصه جهاد فرهنگی است. در پی آن نقطه مطلوب و کمال‌یافته چنین مجموعه‌هایی با محوریت مسجد جامع هر شهر و با عنایت امام جمعه و استفاده از ظرفیت کلان مردمی شهر محقق می‌شود؛ لذا این حلقه تشکیلاتی و خط‌مشی‌گذاری کلان در سطح شهر، مقوم هویت شهری اسلامی و مقدمه ایجاد سازه‌های تمدنی خواهد بود. البته توسعه چنین مجموعه‌هایی به صورت دستوری ممکن نیست و دولت تنها باید سازوکارها و فرایندها را آسان سازد که در بحث اقتضائات الگو بیان شد.

منابع فارسی

- اجلایی، پرویز (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.
اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی ایران. تهران: میزان.

- اشترینان، کیومرث (۱۳۸۱). روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: کتاب آشنا.
- الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۶). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۰). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: سمت.
- باهنر، ناصر؛ فرخی، میثم (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران. دین و ارتباطات. ش ۴۶: ۳۸-۵.
- حسین‌زاده دلیر، کریم؛ هوشیار، حسن (۱۳۸۵). نقش عناصر سیاست‌گذاری در توسعه شهرها. جغرافیا و برنامه‌ریزی. ش ۲۱: ۵۵ تا ۳۳.
- حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات آن.
- حلیمی، حسین‌داد (۱۳۸۴). مصباح الاحکام. قم: حسنین (علیهما السلام).
- حموده، عبدالوهاب (۱۳۸۴). رهاورد مسجد در فرهنگ اسلامی. ترجمه مهدی اسفندیاری. مجموعه مقالات کارکرد مساجد. تهران: رسالتش.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹). بیانات در نماز جمعه، <http://farsi.khamenei.ir>.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی، راهنمایی برای شروع. مجله علمی - پژوهشی دانشگاه ارتش جمهوری اسلامی ایران. ش ۳: ۲۵۰ تا ۲۳۸.
- شریفی، سید علیرضا؛ فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، مجلس و راهبرد، ش ۶۹: ۹۰ تا ۵۵.
- عبدالملکی، حسین؛ سلیمانی ساسانی، مجید؛ نادری، احمد (۱۳۹۳). واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. ش ۱۱: ۳۲ تا ۷.
- عرب اسدی، حسین؛ خالقی‌پور، بشیر (۱۳۹۳). گزارش الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی استان اصفهان. تهران: مرکز تحقیقات علوم انسانی - اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- غلامی نتاج امیری، سعید (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- فرخی، میثم (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. ش ۳۳: ۶۵ تا ۵۴.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۴). نقش مسجد در شکل‌گیری فضاهای شهری و مناسبات فرهنگی. مجموعه مقالات مساجد در تمدن اسلامی. تهران: رسالتش.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۲). تبیین الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی. در حال انتشار.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>

مزینی، منوچهر (۱۳۷۸). مدیریت شهری و روستایی در ایران. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

مشبکی، اصغر؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۰). مدیریت فرهنگ جامعه. نشریه سخن سمت. ش ۸: ۶۸ تا ۹۵.

نوری، یحیی (۱۳۸۴). حکومت اسلامی و تحلیلی از نهضت حاضر. تهران: نوید نور.

نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹). شیوه‌های پژوهش اجتماعی، رویکردهای کمی و کیفی. ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی. ج ۱. تهران: سمت.

همایون، محمدهادی؛ جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۸۷). درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی، درس‌هایی برای سیاست‌گذاران. اندیشه مدیریت. ش ۲: ۳۵ تا ۳۵.

منابع انگلیسی

- Anderson, James E. (1975). **Public Policymaking**. New York: Praeger.
- Boyatzis, Richard E. (1998). **Transforming qualitative information: Thematic analysis & code development**. Thousand Oaks: Sage Publication.
- Brewer, Garry D., and Peter DeLeon (1983). **The Foundations of Policy Analysis**. Monterey, Cal.: Brooks, Cole.
- Easton, David (1965). **A Systems Analysis of Political Life**. New York/London: John Wiley.
- Fischer, Frank, and Gerald J. Miller (Eds.) (2006). **Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods**. United States: CRC Press.
- <http://masjedsafa.com>.
- <http://masjedsanatgaran.blogfa.com>.
- Jenkins, William Ieuan (1978). **Policy-Analysis. A Political and Organisational Perspective**. London: Martin Robertsen.
- Jones, Charles (1970). **An Introduction to the Study of Public Policy**. Belmont, CA: Wadsworth.
- Lasswell, Harold Dwight (1956). **The Decision Process: Seven Categories of Functional Analysis**. College Park: University of Maryland Press.
- May, J. V., & Wildavsky, A. B. (Eds.) (1978). **The Policy Cycle**. Beverly Hills, CA: Sage.
- Ryan, Grey W., Bernard, H. Russell (2003). Techniques to Identify Theme. **Field Method**. Vol. 15, No.1: 85-109.

